

رواداری و تسامح اجتماعی در رهیافت گفتمانی قرآن کریم و لیبرال

قاسم محسنی مری^۱، سلیمان عباسی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۷/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳)

چکیده

رواداری به عنوان مفهوم اخلاقی و حقوقی، گونه‌ای آشتی، دیگرپذیری و همزیستی با دیگران است که شماری باهم‌آمیزی مفاهیم تسامح و تساهل درآموزه‌های دینی، دریافت مفهومی همسان از آن ارائه دادند. قرارگرفتن در نظام گفتمانی متفاوت، برداشت‌ها از این مفهوم را متمایز کرد. بر این اساس رواداری در روایت قرآن کریم از جهت وجودشناسی هم پیوند با مفهوم توحید به عنوان هسته مرکزی این گفتمان است و بیانگر نوع ارتباط آدمی با خدا از جهت دوری یا نزدیکی می‌باشد و با مؤلفه‌های درون گفتمانی همانند ایمان، کفر، نفاق و اهل کتاب در حوزه اندیشه و رفتار قابل تعریف است. این مفهوم در گفتمان لیبرال، با رهیافت انسان محورانه و دریافت ویژه از واقع‌گرایی در معنای همزیستی، دیگرپذیری و بیگانه‌زدایی به کار رفت و تلاش شد در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شیوه‌های رفتاری و اندیشه‌های ناهمسو را با این ایده - که هر یک از بینش‌ها بهره‌ای از حقیقت دارند- از تقابل باهم برهاند و با طرح مفهوم احترام و زیست مسالمت‌آمیز آنان را در کنار هم قرار دهد. جستار حاضر با شیوه توصیفی و تحلیلی با بهره‌مندی از اسناد کتابخانه‌ای تلاش شد مفاهیم رواداری در دو گفتمان لیبرال و قرآن کریم بررسی شده و دلیل برداشت‌های متفاوت هر کدام از این دو گفتمان تبیین شود.

کلید واژه‌ها: تسامح، تساهل، رواداری، قرآن کریم، لیبرالیسم.

۱. مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، ایران، (نویسنده مسئول)؛ ghmohseni1352@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه جامع علمی کاربردی، تهران، ایران، abbasi@uast.ac.ir

۱- بیان مسأله

مفهوم مدارا با دایره مفهومی گسترده وکلان، شیوه‌های رفتاری و اندیشه‌های ناهمسو را در برابرهم قرارداده و درنسبت با مفاهیم تسامح و تساهل تلاش دارد همزیستی مسالمت‌آمیزی را درپی نهد. برپایه چنین بینشی رواداری به عنوان یک ارزش بنیادین اخلاقی و سیاسی مطلوب به‌شمار رفته و از خواسته‌های سیاسی و حقوق بشری شد و ماده یک اعلامیه اصول رواداری^۱ باعنوان معنای رواداری در چهار بند به بیان معنا و مفهوم رواداری پرداخت (Heyd, ۲) برطبق بند یک ماده یک این اعلامیه، مفهوم مدارا در گستره معنایی احترام، پذیرش، رسمیت شناختن تکثر و غنای فرهنگهای مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه‌های زندگی انسان‌ها، توسعه یافت. در این نگره، رواداری شیوه تفاهمی افراد در زیست اجتماعی با وجود تفاوتها، افزون بر وظیفه اخلاقی، ضرورتی سیاسی برای سیاست ورزان جهت جایگزینی فرهنگ آشتی به‌جای خشونت، شمرده شد. باتوجه به گفتمان‌های متفاوت سنت و مدرن برداشت‌ها از این مفهوم و سپس اندیشه و رفتار درباره آن هم متفاوت گشت. در نظام گفتمان دینی، داوری‌ها برپایه دین بوده و تنظیم همکنشی‌ها و روابط اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی با آهنگ دین توزین گشته است. دراین نظام افزون بر دانش‌ها و تجربه‌های انسانی، فهم‌ها از گزاره‌های دینی در تمامی ساحات و زوایای روابط اجتماعی جریان یافت. در نظام لیبرالیسم هم با بینش و مؤلفه‌های گفتمانی ویژه، برداشت متفاوت از آن ارائه کرد و در ساختار و ساماندهی کنش‌های اندیشه‌ای و رفتاری در جامعه بهره جست.

بر این اساس پرسش‌های این جستار چنین صورت‌بندی شد: سوال اصلی؛ برداشت‌های ناهمسان از مفهوم مدارا در دو گفتمان قرآن‌کریم و لیبرالیسم چیست؟ پرسش‌های فرعی؛ ب- مفهوم مدارا در گفتمان قرآن‌کریم چیست و با چه مفاهیمی هم‌سرشت می‌باشد؟ ج- در گفتمان لیبرالیستی این مفهوم دارای چه برداشت و کارکردی است؟

1. UNESCO Declaration of Principles on Tolerance (1995).

۲- مقدمه

آدمیان در زیست اجتماعی در پیوند و همکنشی پیوسته با همدیگر هستند. چنین زیستی همواره با تنوع عناصر زبانی، جنسیتی، قومیتی، نژادی و تنوع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی روبه روست و قرارگرفتن افراد در هر یک از عناصر بازگفته، وابستگی و نوع تجربه‌پذیری ویژه‌ای را ایجاد کرد که زمینه ناهنجاری‌های همانند نابرابری، طبقات اجتماعی و سایر امتیازات اجتماعی را فراهم ساخت. تعیین بخشی شیوه رویارویی و همکنشی افراد در زیست اجتماعی مرتبط با چنین عناصری ضرورت یافت. در این جهت ساماندهی و تنظیم مناسبات اجتماعی شیوه اخلاقی ویژه‌ای را می‌طلبد تا ناهنجاری‌های برآمده از تمایز افراد در زیست اجتماعی، شیوه زیست‌ها و طرز اندیشه‌های دیگر اجازه تحقق دهد و به افراد این امکان را ندهد که تنها به شیوه زیست و نحوه اندیشه خود، صنف، طبقه و نهادی که به آن وابستگی دارد اعتبار دهد. فرآورده چنین بصیرت یکسان‌سازی فرهنگی و انحصارگرایانه، باورکاوی، عدم تحمل اعتقادات ناهمسان و بی‌تحملی در تنوع زیستی، دگرپذیری، دگراندیشی و دگرگونه‌عمل‌کردن است. بر این اساس شهروندان^۱ برای برقراری همکنشی مسالمت‌آمیز اجتماعی به دور از منش ستیزه‌جویانه، خشونت و بهره‌مندی ناروا از امکانات و فرصت‌های اجتماعی، نیازمند به شیوه همزیستی^۲ بر پایه منش مدارای اجتماعی به‌عنوان مؤلفه اخلاقی هستند. بر این اساس جوامع با قرارگرفتن در نظام گفتمانی ویژه در پی تنظیم مناسبات اجتماعی با مؤلفه خشونت‌گریزی هستند.

در رهیافت قرآن کریم مفهوم مدارا با هم‌سرشتی مفهومی با واژگان تسامح و تساهل در پی پذیرش چندآوایی بر پایه درونمایه و هسته مرکزی این گفتمان یعنی توحید است؛ حال آن‌که در گفتمان لیبرالیسم با توسعه مفهومی آن، فراتراز امر درون دینی مسیحی به‌کار رفت و در پی موجه‌سازی ناهمسانی‌های باورهای دینی و اخلاقی با معیار عقلانی شد. البته

۱. شهروندان کسانی‌اند که در کشوری مسکن داشته و از حقوق دادخواهی و آزادی بیان عقیده درباره امور را دارند (ارسطو، ۳۹).

2. Coexistence

ساختار مفهوم مدارا در این گفتمان همبسته به دوره تاریخی بر پایه شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران مدرنیته و مبتنی بر مبانی توافق عقلانی، فردگرایی و سایر مؤلفه‌های این گفتمان است که به صورت قرارداد اخلاقی، حقوقی و سیاسی در سویه‌های متنوع و متکثر همانند ادیان، اقوام، نژاد و زبان و ملیت‌ها به عنوان ضرورت زیست اجتماعی در عصر پسااست نمایان شد.

۲-۱. پیشینه و ضرورت پژوهش

رشد فزاینده ارتباطات آدیمیان در دوران نوزایی در گستره اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و رویارویی با تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و باوری ضرورت همزیستی با شیوه مسالمت‌آمیز را ایجاد نمود. با ارجاع به متون تاریخی به نظر می‌رسد واژه مدارا تا قرن هفده با شیوه روایتگری انسان‌محوران در پی جنگ‌های مذهبی و تغییرات نظام‌گفتمانی دارای ارزش و فضیلت شد. (لابروسه، ۲۳۴۰). هرچند در قرن شانزدهم به دلیل تنوع و اختلاف مذهبی توماس مور با نوشتار «کتاب اتوپیا» مفهوم رواداری را پیش از انتشار نظریه‌های اصلاح طلبانه مارتین لوتر نظریه پردازی کرد و سپس مبنای فرمان روادارانه شارل نهم پادشاه فرانسه، در سال ۱۵۶۲ میلادی در فرانسه گشت، (باقری، ۵۲) البته نظریه پردازی درباره مفهوم مدارا در قرن هفده توسط فیلسوفان کلاسیک، اسپنوزا در رساله دینی - سیاسی با عنوان طبیعت انسان، پیر بیل^۲ در کتاب «در باب رواداری» و جان لاک^۳ در نامه‌ای در باب رواداری^۴ پی‌گیری شد (ژاندرون، ۱۶۳) براین اساس جان لاک از نخستین نگارندگان در این حوزه با نگارش رساله‌ای مستقل کوشید با تبیین دلایل لزوم برخورد تسامحی حاکم مدنی با فرقه‌های متفاوت، دامنه رواداری و سازوکارهای آن در زیست اجتماعی بیان داشت و سپس نوشتارهای دیگری به توصیف و تبیین آن پرداختند.

1. Spinoza
2. Bayle Pierre
3. John Locke
4. Concerning Letter A Toleration

هرچند پژوهش‌ها درباره مدارای اجتماعی با صورت‌بندی ناهمسان انجام شد همانند: مقاله «مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و مدارای اجتماعی» از شارع پور و همکاران (۱۳۸۸) که به تحلیل ارتباط بین سرمایه اجتماعی و انواع مدارا پرداخته‌اند. شارع پور و عسکری (۱۳۸۸) در مقاله «گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در میان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی» به گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن پرداخته‌اند و سه نوع مدارای اجتماعی و سیاسی و اخلاقی رفتاری را بررسی کرد. نوشتار «اخلاق و رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب»، از علی‌اکبری (۱۳۹۲) اخلاق روداری را در نسبت به مذاهب بررسی کرد. روحانی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و مقایسه تساهل و تسامح اسلامی با تolerance مسیحی» افزون بر تفاوت‌های تساهل اسلامی با تolerance مسیحی، تساهل را خصیصه ذاتی اسلام و ویژگی عرضی مسیحیت دانسته‌اند. مقاله حاضر روداری قرآن کریم را به مثابه درون‌گفتمانی با هسته مرکزی توحید و روایت‌گری خداوند از هستی و ارتباطات در برابر گفتمان لیبرال با روایت‌گری انسان و مرتبط با شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بررسی کرد که تاکنون با این زاویه دید پژوهشی انجام نشده است.

۲-۲. مفهوم شناسی مدارا

مدارا، تolerance / از مصدر لاتین Tolerare به معنای کشیدن، تاب آوردن، تحمل درد یا بار است (آشوری، ۱). این مفهوم در برابر واژه تسامح در معنای اجازه دادن، فروگذار نمودن و کوتاه آمدن و گذشت در حالت قدرت، بزرگواری و نوعی فرادستی است (حنایی کاشانی، ۶۱؛ دهخدا، ۶۶۸/۱۲) و تساهل، تحمل و صبر بدون این که آدمی قادر به دگرگون کردن اوضاع باشد. (حنایی کاشانی، ۶۱) در گفتمان دینی این مفهوم به عنوان شیوه اخلاقی و دینی به‌کار رفت. (داوری، ۴) مدارا در گستره نگره کثرت‌گرایی دینی اخلاقی یا هنجاری می‌تواند همزیستی مسالمت‌آمیز را در میان ادیان درپیش نهد. (قراملکی، ۳۱۸-۳۱۹) این مفهوم در بینش لیبرالیسم به عنوان ارزش بنیادین

اخلاق و سیاست به کاررفت و سپس جزء خواسته های سیاسی و حقوق بشری شد (Heyd، ۲). اعلامیه اصول رواداری هم در چهار بند به بیان معنای رواداری درگستره احترام، پذیرش و به رسمیت شناختن تکثر و غنای فرهنگ های مختلف جهان و احترام به اشکال بروز و شیوه های زندگی آدمیان آمده است. بر این اساس مدارا در این نگره تفاهم در تفاوت ها و تنوع ها است که از وظایف و فضیلت اخلاقی و سیاسی آدمیان تلقی گشته و فرهنگ آستی را جایگزین فرهنگ خشونت کرد. در زیست اجتماعی هم به شیوه همکنشی افراد بدون مداخله گری، ممانعت یا اجازه دادن به اعمال و عقایدی گفته شد که مورد پذیرش و پسند نیست و دارندگان قدرت از روی آزادی، اختیار، آگاهی و از موضع قدرت برای جلوگیری از تنش، تعادل قوا، آرامش اجتماعی و تقویت پیوند و ارتباط آدمیان انجام می گیرد (ژاندرن، ۱۷؛ گرنستن، ۴۲). از سوی دیگر چنین کنشگری در جامعه به رفتارها از روی آگاهی، اقتدار و با سعه صدر، به عقاید، روش ها، منش ها و جریان های سیاسی مخالف، امکان ظهور داده و تکثر، تنوع عقاید و افکار هم پذیرفته شده که با بی تفاوتی متفاوت است. (بشریه، ۶۳)

هم سرشتی مفهومی مدارای اسلامی با مفاهیم تساهل و تسامح از جهت معناشناسی همزمانی نوعی روادای درون دینی است که در معنای دفع بدی با خوبی می باشد. «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۲۲) و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی می زدایند ایشان راست فرجام خوش سرای باقی. در این جهت تساهل در اندیشه قرآن کریم درباره تکالیف الهی و اجرای احکام دینی است (مطهری، ۲۴۱/۲) که به گونه آسان گیری در کنش های دینی برای رهایی از تنگناهای موقعیتی تجلی می یابد (راغب اصفهانی، ۲۴۵؛ فیروزآبادی، ۱۰۱۷/۱). کاربرد تسامح هم نوعی کنار آمدن و همزیستی با بزرگواری، جوانمردی، بلند نظری و بخشش در برابر

ناهمکیشان است (دهخدا، ۶۶۸) تا آنجا که به ارتداد و بدعت نیانجامد. (احمدیان، ۸۸) در حوزه سیاسی هم، کنش روادارانه در محدوده‌ای است که موقعیت حاکمیت و جامعه اسلامی تهدید نگردد. (آقاجانی، ۷-۲۵؛ مطهری، ۱۷/۲۴۷).

۳- رواداری در بینش لیبرالیسم

رواداری در دوران پشامدرن غرب در پیوند با نوع نگرش صنف دین و کلیسا بود. در قرون میانه پس ازکنستانتین و روی‌آوری وی به کیش مسیحیت و به رسمیت شمردن آن و درپی آن دولتی شدن مذهب و پیدایش عناصر دوگانه کلیسا و دولت در اداره سرزمین خدا، راه حل درون دینی برای تثبیت موقعیت سیاسی و مذهبی مسیحی توسط قدرت حاکمه ایجاد گشت که مبتنی بر بینش دگرستیزی با ناهمسویان دینی و مذهبی بود. چنین وضعیتی تا آغاز قرن سیزدهم که با بیداری ملّتها و حکومت‌هایی مستقل از گستره حاکمیت پاپ بنیان نهاده شد، برقرار بود (ژاندرن، ۲۰). این نظام گفتمانی مبتنی بر یگانگی مذهبی، مدارا تنها به منظور همسو نمودن افراد انسانی با مذهب رسمی کلیسایی بود. در این جهت رواداری در معنای اجازه یا همزیستی امر درون مذهبی مبنی بر اندیشه کلیسای کاتولیک بود. در قرن سیزده میلادی هم دادگاه تفتیش عقاید برای مقابله با تنوع مذهبی مسیحیت تکون یافت (ساد، ۱۵-۱۷). قرن شانزدهم با پیدایش نهضت اصلاح دینی که برای نظام اعتقادی، اخلاق و ساختارهای کلیسا با اصول مبتنی بر سازگاری با کتاب مقدس بود زمینه تکثر اعتقادات مذهبی و به‌دنبال آن رواداری مذهبی فراهم شد. تنوع دینی و قومیتی سبب پدید آمدن جامعه‌ای متکثر و چندهویتی شد و گفتمان نوین انسان‌محوری و اشاعه حس انسان دوستی پدیدار شد. (سیمونیدس، ۶۴) گفتمان نوین با اندیشه رواداری برآمده از بافتار خشونت‌ی و کشمکش‌های خونبار فرقه‌ای مذهبی قرون شانزده و هفده بود (بهشتی، ۷۳) که درگستره سیاسی و اجتماعی توسعه یافت. ناتوانی در دفع رقیبان فرقه‌ای و شناخت حقیقت زمینه را فراهم کرد تا مفهوم مدارا بر مبنای عقلانیت و انسان

محورانه مطرح و فریه گردد. براین اساس بهره‌مندی از خرد به‌عنوان پرتوی از نور الهی، مدارای مذهبی به دلیل کثرت عقول، امری الهی و اخلاقی در گستره اجتماع و سیاست دانسته شد. (کاپلستون، ۸۹-۹۰) از جهت معرفتی و روشی به اصول فطرت و انگاره‌های ثابت و پایدار نفس انسان مناقشه شده و عقلانیت مبتنی بر تجربه و احساس فردی^۱ در گستره فردگرایی و مدارا در ساحت اندیشه لیبرالیسم جایگزین شد. (کاپلستون، ۹۲)

بنابراین هرچند رواداری از درون باورهای دینی پدیدار شد تا جواز آزادی افراد را درانتخاب و پذیرش مذهب ویژه‌ای تأمین نماید و به منازعات مذهبی پایان دهد. در ادامه با توسعه معنایی و فراتر از مذهب در ساحات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وارد شود. گروه‌های متفاوت با باورهای ناهمگن مذهبی، اخلاقی و سیاسی در زیست اجتماعی نیاز به بدیلی برای همزیستی داشتند که مفهوم مدارا آن را ممکن ساخت. عنصر تفاوت باوری، خواسته‌ای، توان فاعل، آزادی و اختیار وی و کثرت‌گرایی فرهنگی^۲ اجتماعی به‌عنوان مبانی فلسفی رواداری شد. در این گستره، مدارا نمودن و تسامح زمینه گفتگو^۳ گفتمان‌ها، رقابت سالم میان اندیشه‌ها و اجازه آشکارسازی باورهای ناپذیرفتنی به دلیل احترام به افکار و عقاید دیگران را فراهم ساخت. (جهانبگلو، ۳۵) در حوزه سیاسی، نظام باوری مصححت‌اندیشانه هزینه سیاسی و مذهبی رواداری از اجبار دینی در جامعه کمتر تلقی شد. (جهانبگلو، ۳؛ فولادوند، ۶۳) البته رواداری مذهبی با بنیان پلورالیسم دینی^۴ تفسیر شد و همه ادیان با بهره‌مندی از حقیقت، راهی به نجات و رستگاری داشته که با آزادی باور در پی تحقق آن هستند. (ساد، ۱۱۸)

درونمایه و دال مرکزی گفتمان لیبرالیسم انسان است. بر این اساس در همه ساحات از

۱. امور به واسطه حس در ذهن وجود می‌یابند. تصورات اخلاقی هم از تجربه بر می‌خیزند و عناصر پدیدآورنده آن از احساس ظاهر یا مراقبه نفسانی هستند. چنین رهیافتی به معنای گذار از بایسته‌های اخلاقی مسیحایی قرون وسطی در گستره مناسبات سیاسی و اجتماعی بود.

2. Diversity Cultural
3. Dialogue

۴. pluralism / مکتبی که حقیقت، نجات و رستگاری را ویژه یک اندیشه، باور، دین، فرهنگ و اجتماع نمی‌داند (صادقی، ۳۴۰-۳۴۱).

جمله سیاست به منشأ الهی باور ندارد. وظیفه حکومت تنها نگهداشت حق حیات، مالکیت افراد، آزادی‌ها و رعایت حقوق شهروندی است. امور دینی هم در این نگره به‌مثابه امر اخلاقی و مبتنی بر وجدان تلقی گشت (لاک، ۵) و تعمیم کنش نهاد قدرت درباره سعادت و رستگاری آدمیان نادرست دانسته (لاک، ۸۶) و وظیفه نهاد سیاست تنها برای تأمین منافع دنیوی شهروندان گفته شد. مداخله و همکنشی دولت و کلیسا در امور سیاسی منع شدند. در این منطق امور دینی و مناسکی که در رفتار عبادی مؤمنان تجلی می‌یابد مبتنی بر عشق، خلوص و ارادت قلبی است که با شیوه تحمیلی و زورورزانه نهاد قدرت به‌منظور خیرخواهی که نوعی اخلال در خلوص مذهبی و عامل نفاق است، مغایر با ایمان دانسته شد. در ادامه نهاد قدرت یا سیاست نیز به‌دلیل عدم شناخت دین حق، وظیفه‌اش تنها تحقق حقوق شهروندان، مالکیت، آزادی‌ها و عدالت اجتماعی تعریف گشت. (کرنستن، ۶۶) اندیشیدن و تصمیم‌گیری در باور دینی برعهده افراد گذاشته (ژاندرن، ۱۴۲) و دیگران مسئولیتی نسبت به باوردینی افراد نداشته و تلاش در این محدوده بیهوده و تعرض به حقوق دیگران و خارج از حیطه کارکرد نهاد سیاست تلقی شد. وظیفه نهاد سیاست تنها حفظ و تأمین منافع انسانها در زندگی دنیوی تعیین شد. (لاک، مقدمه) در این پنداشت، نگهداشت و ترویج دین با خشونت قوه قهریه افزون بر مغایرت با خیرخواهی نهاد قدرت (لاک، ۵۱-۵۴) زمینه تظاهر دینی را فراهم می‌کرد. (موحد، ۲۱۰) رواداری قدرت سیاسی، در فراهم‌آوری و تحقق آزادی اندیشه و رفتار، حق انتخاب، شرایط و فرصت‌های مشروع اجتماعی برای شهروندان اعم از همکیشان و ناهمکیشان یا ناخودی‌ها، با عنوان تنوع فرهنگی روایت شد. (Horton, 895)

ع- رواداری در قرآن کریم

مدارا در قرآن کریم به عنوان روش زیستی درون گفتمانی است که بنیانگذار دین به آن فرمان داده شد. «إِنَّا أَمْرْنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرْنَا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» (مجلسی،

۵۳/۷۲). ما گروه پیامبران همانگونه که به انجام واجبات امر شده‌ایم به مدارا با مردم نیز امر شده‌ایم. این مفهوم در روایت قرآن کریم در معنای دفع شی آمده است (ابن فارس، ۲۲۱/۲؛ ابن منظور، ۷۱/۱؛ راغب، ۱۶۸، مصطفوی، ۱۸۹/۳). «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (الرعد، ۲۲) و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم پنهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی می‌زدانید ایشان راست فرجام خوش سرای باقی و «أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (القصص، ۵۴) آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می‌نمایند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند دو بار پاداش خواهند یافت. دفع بدی با خوبی (معروف و منکرات) در روایتگری اخلاق و احکام دینی آمده است. به‌طور کلی مفاهیم جانشین رواداری، مسامحه، تساهل، مصلحت، لین و رفق می‌باشند. رفیق و همدم (النساء، ۶۹؛ المائدة، ۶ و الکهف، ۲۶، ۱۶ و ۳۱)، که بیشتر برای موافقان و همکیشان به‌کار می‌رود. لینت، نرمی در برابر درستی و خشونت (آل عمران، ۱۵۹؛ ابن فارس، ۲۳۵/۵؛ ابن منظور، ۳۹۴/۱۳، عفو (البقره، ۵۲، ۱۰۹، ۱۷۸، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۳۷، ۲۸۶؛ آل عمران، ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۵۵ و ۱۵۹، النساء، ۴۳، ۹۹، ۱۴۹، ۱۵۳) در برابر، در گستره بخشش خدا درباره آدمیان و نیز بخشش نسبت به گناهکاران به‌کار رفت (ابن احمد، ۲۵۸/۲). و صفح (البقره، ۱۰۹؛ الحجر، ۸۵؛ النور، ۲۲؛ الزخرف، ۸۹، التغابن، ۱۴) است.

البته گزاره‌های قرآن کریم در دو حوزه توصیفی و توصیه‌ای برای رساندن انسان به کمال و قرب الهی است. بر این اساس درونمایه یا دال مرکزی گفتمان قرآن کریم توحید، قاطعیت در رسالت الهی (الاسراء، ۷۴؛ الممتحنه، ۴؛ القلم، ۸-۱۰) و اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ (النساء، ۵۹) است. تلقی مؤمنان نیز در این دایره گفتمانی بر حق بودن و واقع شدن در کشتی نجات آنان است که شیوه کنش‌های ذهنی و رفتاری آنان در زیست فردی و

اجتماعی متعین می‌نماید. در این جهت رواداری نوعی همکنشی عاقلانه، سنجیده و مهرورزانه با باورمندان همکیش، ناهمکیش و غیردینداران برای دستیابی به زیست مسالمت‌آمیز جهت فراخوانی، نگهداشت داشته‌های مذهبی، توسعه و اشاعه دین هدف است. روش پیامبر ﷺ در دعوت‌گری و فراخوانی به دین از راه حکمت، اندرز نیکو و مجادله احسن بازنمونی از بهره‌بردن شیوه‌مدارانه بود. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (النحل، ۱۲۵) ای پیامبر! از راه حکمت و پندهای نیکو مردم را به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنها به گونه‌ای که نیکوتر و پسندیده‌تر است مجادله نما. نهی از زور در فراخوانی و اسلام‌آوری دیگران (البقره، ۲۵۶؛ الانعام، ۳۵؛ یونس، ۱۰۸؛ الشعراء؛ ۳) و تلاش مؤمنانه در همدردی با ناهمکیشان نه برای همراهی کردن با آنان بلکه برای رد عقیده باطل در این جهت است. «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَفَّأُ دِمَاؤُهُمْ وَ هُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سَوَّاهُمْ يَسْعَى بِدِمَتِهِمْ أَذْنَاهُمْ» (الکلینی، ۴۰۳/۱) همگی مؤمنان برادرانی هستند که خون‌شان با یکدیگر همسانی دارد و همه شان به منزله قدرت واحدی علیه دیگرانند چنان که فرودست‌شان در وفا به پیمان اجتماعی امت همچون هر شهروند امت اسلامی دیگر، در تلاش است. چنین روی‌آوری در متن وحیانی با تعبیر مداهنه یعنی عدم همراهی، سازش یا کوتاه آمدن در حق و یا پذیرش عقاید ناروای دیگران (راغب، ۱۷۲؛ طبرسی، ۳۳۴/۵) بازتاب یافت. «وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (القلم، ۹) دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند.» بنابراین ناهمکیشان و کافران می‌خواستند که پیامبر ﷺ از دین الهی کوتاه آمده و با آنان و آنان مسامحه می‌کرد (طباطبایی، ۳۸۷/۱۹) که در گزاره‌های دینی از آن نهی شد. «وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ دَعِ أَذَاهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً» (الاحزاب، ۴۸) و کافران و منافقان را فرمان مبر و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می‌کند. بر این اساس تعطیلی اجرای حدود الهی با منطق مدارا ناروا دانسته شد. «الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَ لَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ» (النور، ۲) هریک از زن و مرد زناکار را تازیانه بزنید. رأفت و دلسوزی نسبت به آنها شما را از اجرای دستور خدا باز ندارد.

روش رواداری در روایت‌گری متن‌وحيانی بسته به وضعیت و جایگاه افراد از جهت همکیشی یا ناهمکیشی متفاوت است. «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (الفتح، ۲۹) مسلمانان در برابر کفار شدید و غلیظ و در میان خودشان مهربان و دلسوزند. در این نگره رواداری در وضعیت پذیرش، تنبیت و توسعه دین اسلام با گونه‌های نرم‌خویی «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران، ۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم‌خو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. و تسامحی است. البته گونه تساهلی در نسبت با همکیشان و مکلفان دینی و شیوه روی‌آوری آنان به قوانین الهی است. چنین شیوه‌ای هم‌پیوند با ناهمسازی ساختاردرونی و بیرونی آدمیان از جهت تکونی درمیزان استعداد های ذهنی، باوری و خواسته‌ای و ظرفیت درک و تحلیل افراد و به طور کلی تابع شرایط است. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (البقره، ۱۸۵) (نیز نک: البقره، ۲۳۳؛ النساء، ۲۸؛ الانعام، ۱۵۲؛ الاعراف، ۴۲؛ المومنون، ۶۲، الحج، ۷۸؛ الطلاق، ۷). به دلیل ناهمسازی شرایط گاهی از جانب دین ممنوع شد. «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (النور، ۲). و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید در [کار] دین خدا نسبت به آن دو دلسوزی نکنید. (نیز نک: توبه، ۷۳؛ البقره، ۱۹۴) بخشی از آیات شیوه روی‌آوری تساهلی درون‌دینی در امور جزایی نسبت به جرم همکیشان را به گونه عفو و گذشت توصیه می‌نماید. «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» (البقره، ۱۷۸) و هر کس از جانب برادر دینی‌اش چیزی به او گذشت شود، باید از گذشت ولی مقتول به طور پسندیده پیروی کند و با احسان، خونبها را به او بپردازد. این تخفیف و رحمتی از پروردگار شما است. در آیاتی روش رواداری دینی را به کنشگران مؤمنان در مواجهه با مخاطبان را بیان می‌دارد. «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان، ۶۳) و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند و چون نادانان ایشان

را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند.

رواداری با ناهمکیشان متناسب با موقعیت آنان به گونه متفاوت است. اگر وضعیت سیاسی و اجتماعی رقیبان دینی یا ناهمکیشان همتراز یا فراتر از وضعیت دینی هدف باشد مدارای دینی به صورت دیگری پذیرای است. (الکافرون، ۱-۶). شاید این دیگری‌پذیری در قالب تقیه باشد که با مدارا ناهمسان است. در مدارا افزون بردیگریستی مؤلفه دیگری‌پذیری هم است که در مفهوم تقیه نهان‌سازی عقیده دینی یا مذهبی خود و هم‌نوا شدن با عقیده رقیب به معنی دیگری‌پذیری نیست. در پندار دینداران تسامح یا اجازه بزرگوارانه نوعی روی‌آوری به دیگران برای همسو نمودن آنان به داشته‌های معنوی هدف است. در این دایره مدارا و تسامح همکنشی بر پایه نیکی و تقوا می‌باشد و تلاش دارد با تحمل آرای مخالف، از رهیافت‌های ناهمسان آگاه گشته و در جهت نقد و اصلاح آن بکوشد. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (المائده، ۲) در این جهت ظلم به ناهمکیشان در شرایطی که آنان با مسلمانان بر ترک جنگ پیمان بسته‌اند ناروا دانسته و بر نیکی و رفتار عادلانه توصیه شد. (طبرسی، ۴۰۸/۹) «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (الممتحنه، ۸-۹) و خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد. مدارا به گونه آشتی‌جویانه با ناهمکیشان در زمانی است که آنان در حالت ستیزه‌گری با مؤمنان نیستند به مکلفان پیشنهاد می‌شود. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (الانفال، ۶۱) و اگر به صلح گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست. (نیز نک: النساء، ۹۰، ۱۲۸؛ الممتحنه، ۷).

شیوه کنشی مدارای پیامبر ﷺ با ناهمکیشان، در شرایطی که توبه کردند در قالب آیاتی که کفر پس از ایمان آوردنشان آمده بازتاب یافت.^۱ «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا

۱. پیامبر ﷺ در رخدادها کفار و مشرکانی همانند ابوسفیان و حارث بن هشام و عتاب بن اسد و خالد بن اسید و مانند

فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران، ۸۹) مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستکاری [بیشه] نمودند که خداوند آمرزنده مهربان است (نیز نک: آل عمران، ۹۰؛ محمد، ۲۵؛ النساء، ۱۳۷؛ التوبه، ۷۴) توصیه به پرهیز مؤمنان از دشنام دادن کفار (الانعام، ۱۰۸) و احترام به مقدسات ناهمکیشان (الحج، ۴۰) از دیگر شیوه کنشگری روادارانه قرآن کریم است. البته چنین کنشی به دلیل آن است که زمینه بی‌احترامی ناهمکیشان را به مقام پروردگاری را فراهم نسازند. (طباطبایی، ۳۱۴/۷).

۵- رویکردها در برداشت مفهوم مدارا در گفتمان قرآن کریم و دوران مدرن

با توجه به تفاوت گفتمان‌ها، نحوه رویارویی با ناهمسویان در تنوع زیستی، تکثر باوری، قومیتی و زبانی و مانند آن هم مختلف است. مفهوم مدارا هم در این گفتمان‌ها بر پایه مؤلفه‌های موضوع، روش، غایت، نگره و ساختار قابل پی‌جویی است. بر این اساس اشتراکات و اختلافات این مفهوم در جریان قرآن کریم، حدیث و لیبرالیسم در این قالب باز گفته بررسی می‌گردد.

۵-۱. اشتراک مفهوم مدارا در گفتمان قرآن، حدیث و لیبرالیسم

مفهوم مدارا از جهت موضوع مرتبط با انسان و در پیوند با زیست اجتماعی برای ساماندهی، تنظیم هم‌کنشی‌ها و روابط اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی می‌باشد. از حیث ایده و هدف هم، مطلوب آن زیست پرهیز از خشونت و همزیستی آشتی‌جویانه و پذیرش چندآوایی است. بر این اساس این مفهوم از جهت موضوع و غایت میان گفتمان‌ها مشترک می‌باشند. افزون بر آن بینش روادارانه به‌عنوان مؤلفه فرهنگی و سیاسی قابل احترام و ارج‌گذاری در گستره اخلاق و حقوق در نظام‌های گفتمانی ناهمسان قابل پی‌جویی است. این مفهوم از جهت هستی‌شناختی در گستره باور و رفتار در این گفتمان‌ها به‌عنوان اصل

مشترک مطرح شد که با معیارهای عقلانی در پی موجه‌سازی ناهمسانی‌های باورها و کنش‌ها هستند. بر این اساس مبانی نظام دین اسلام در حوزه اندیشه و رفتار بر پایه توصیه به سمحه و سهله است (بخاری، ۸۴۲۴) که در مبانی لیبرالیسم هم به آن تأکید گشت. افزون بر آن در گستره معرفتی بدون لحاظ نگره‌ها، ساختارها، درونمایه‌ها و مقوله‌بندهای هر گفتمان، توصیه هرکدام به سعه صدر و خشونت‌پرهیزی است. (فاضل میبیدی و دیگران، ۴-۱۱).

۵-۲. اختلاف مفهوم مدارا در گفتمان قرآن، حدیث و لیبرالیسم

برداشت‌ها از مفهوم مدارا به دلیل وجودشناسی از جهت خاستگاهی، معرفت‌شناسی و کارکرد در دو گفتمان قرآن کریم و لیبرالیسم متفاوت است. مدارا و تسامح در گفتمان قرآن کریم مبتنی بر روایت‌گری خداوند با ساختار درونمایه یا دال مرکزی آن است. درونمایه و هسته مرکزی گفتمان قرآن، توحید و معرفت مبتنی بر وحی و یقینی بودن آموزه‌های الهی است و باورمندان به آن برادران دینی بوده و خروج از آن گمراهی دانسته شد (خسروپناه، ۲۲۱؛ نیکزاد، ۸۵). «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ». (الکلینی، ۴۰۳/۱). مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یکپارچه‌اند برتری معرفتی از آن خدا بوده که حق قانونگذاری داشته و رجوع به متن دینی برای دریافت مفاهیم یا هر کنش ذهنی و رفتاری برای موجه‌سازی و سازگاری رجوع به دین ضرورت دانسته شد. رواداران دینی هم با پیش‌نقش حداکثری و مطلق دین و ارجاع به آن و تکیه بر فهم دینی و روش درون دینی، نسبت دیندار با گزاره‌های تکلیفی دین، همکیشان، غیر همکیشان و موقعیت‌ها را تعیین می‌بخشند. بر این اساس عقلانیت مؤلفه‌های دینی همانند رواداری مبتنی بر متن بوده که در گستره نگهداشت، تثبیت و توسعه امور دینی روایت شد. «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ، وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي» (بخاری، ۸۴۲۴). بنابراین رواداری در قرآن کریم به لحاظ نظری با دلایل درون‌متنی بر پایه توحید به‌عنوان درونمایه و دال مرکزی گفتمان در پی تولید و بازسازی شیوه‌کنشگری دینداران در زیست

اجتماعی با همکیشان و غیرهمکیشان است. در این گفتمان، نظام اندیشگی هدایت یافته برای نگهداشت و نجات دین و حقیقت در پی یکپارچه‌سازی نظام اندیشه و رفتاری جامعه است. (موحد، ۱۵۹) درگستره رفتاری هم جربان اندیشه‌ای با ابتنای یقین، مطلق‌گرایی و اعتقاد به امکان دستیابی به حق و هدایت‌یافتگی، هدایت افراد انسانی با روش مبتنی بر متن وحیانی وظیفه دینی و اخلاقی دانسته شد. چنانچه سیره عملی معصومان علیهم‌السلام در روی‌آوری به مردم نرمخویی روایت گشته است. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَائِمَ الْبِشْرِ، سَهْلَ الْخُلُقِ، لَيِّنَ الْجَانِبِ، لَيْسَ بَقَطُّ وَلَا غَلِيظٌ.» (ابن‌سعد، ۱/۴۲۴) پیامبر ﷺ گشاده‌روی و خوش‌اخلاق و نرم‌خو بود و با دیگران خشن و درشت‌خوی نبود. چنین شیوه‌ای در زیست اجتماعی به درختی تشبیه شد که چوب آن نرم و تازه و شاخ و برگش فراوان است «مَنْ لَانَ عُوْدُهُ، كُنْفَتْ أَعْصَانُهُ» (سیدرضی، حکمت، ۲۰۵؛ لیشی، ۴۴۸) که در هنگام قدرت و توانایی «أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ، أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ.» (ابن‌بابویه، ۴/۳۹۶) سزاوارترین مردم به عفو تواناترین آنهاست به عقوبت. که با آگاهی از افراد صادر می‌گردد. درگستره سیاست رواداری ابزار ریاست و حکومت «أَلَّةُ الرَّيَاسَةِ، سَعَةُ الصِّدْرِ.» (سیدرضی، حکمت، ۱۶۷) ابزار سروری، شکیبایی در تحمل نامرادی‌هاست. برای پرهیز از خشونت‌های اجتماعی و عامل ثبات سیاسی «فَاصْبِرُوا حَتَّى يَهْدِيَ النَّاسُ وَتَقَعَ الْقُلُوبُ مَوَاقِعَهَا وَتُؤْخَذَ الْحُقُوقُ مُسْمَحَةً» (سیدرضی، خطبه، ۱۶۷) پس شکیبایی ورزید تا مردم آرام گیرند و دل‌ها بر جای خود قرارگیرد و حقوق از دست رفته به آسانی گرفته شود.» خواننده شد.

بنابراین گفته‌ها، عقلانیت رواداری در گفتمان قرآن‌کریم مبتنی بر خود متن وحیانی بوده که در پیوند با دال مرکزی این گفتمان مقوله‌های در پیوند با آن همانند مدارا و جانشین‌های همسرشت با آن مفصل‌بندی^۱ شدند.

در نظام گفتمانی مدرن روایتگر از خدا به انسان تقلیل یافت و آدمی تلاش کرد با زاویه دید خود از نسبت‌هایش (خدا، خود، دیگران و طبیعت) روایتگری نماید. البته چنین نظام

۱. ارتباط میان عناصر مختلف گفتمان همانند دال‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها که با هویت همبسته به گفتمان ویژه صورت‌بندی گشته به گونه‌ای که هویت نخستین آن دگرگون شده را مفصل‌بندی یا پیکربندی گویند. (یورگسن و فیلیس، ۵۳)

گفتمانی از دل دین مسیحیت و فضای گفتمانی حاکم بر تاریخ مسیحیت پدید آمد. مسیحیت با گذار از دوران تاریخ وسطی مبتنی بر تک‌آوایی دینی با ساختار سیاسی دوگانه شاه و کلیسا تلاش داشت در سرزمین خدا بر بندگان خدا حکمرانی کند. چنین بینشی در دوران روشنگری باگذر از روایتگری خدا و روی آوری به روایت‌گری انسان تلاش کرد شیوه اندیشه‌ای و رفتاری را بازخوانی نماید. در این جهت برای تنظیم مناسبات اجتماعی و جامعه مدنی بر پایه نوعی قرارداد اجتماعی میان حاکمیت و مردم نسبتی برقرارکنند. در این دوران دستگاه کلیسا به عنوان مرجعیت باور و ایمان دینی جایگاه خود را از دست داده و درگستره دایره حقیقت به پلورالیسم دینی و اخلاق منتهی شد. بنابراین مقوم اندیشه‌مدارا در دوران مدرن از جهت وجودشناختی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی با روایت انسانی است که در پی شناسایی مشکلات و معضلات و راه حلی برای گذار از آن مسایل و رسیدن به وضع مطلوب بود. بنیان‌های معرفتی لیبرال برانسان‌محوری^۱، تجربه‌گرایی^۲ و عقل‌گرایی^۳، پلورالیسم^۴ و نسبی‌گرایی^۵ استوار است (Berlin, ۲۱۴). در این میان انسان‌مداری با برگرفتنی از فرهنگ غرب با نظام معرفتی مبتنی بر عقل و تجربه در پی روایت ویژه از انسان و راهگشایی نیازهای او بود. (صانع پور، ۱۹) با توجه به پیشینه این مفهوم در ادبیات کلاسیک یونان قدیم بازتولید آن در دوران نوزایی تلاشی بود برای بازپس‌گیری ارزش‌های انسانی، روح آزادی، استقلال فردی و خودمختاری انسان که در دوران وسطی از سوی کلیسا و امپراتور از بین رفت. (لالاند، ۱۷۰) انسان‌شناسی ویژه مسیحیت درباره سرشت ناپاک و گناه‌آلود آدمیان، نقش قدیسان کلیسا در زدایش گناه و رفتار متناقض اربابان کلیسا زمینه‌بازاندیشی در بازگرداندن شأن انسان را فراهم کرد. (ویل دورانت، ۶۰۴؛ صانع پور، ۱۹-۲۰) در بصیرت نوین با جای‌گیری انسان در صدر هستی، به‌عنوان آفریننده ارزش‌ها در پی تنظیم روابط آدمیان برآمد و خود معیار حقانیت

1. Humanism
2. Empiricism
3. Rationalism
4. relativism

امور به شمار آمد و به تعیین آرمان طبیعی و مادی، دنیاگرایی و زیستن در حال روی آورد. (رهنمایی، ۱۱۰) البته هسته آغازین انسان‌محوری بر احیای انسان بود و پیروان این گفتمان در پی انکار خدا نبودند، در این جهت میان انسان‌گرایی و مسیحیت تعارض دیده نمی‌شد. (کوریک، ۲۲۴) اما در دوره‌های بعد با گذار از معرفت‌شناسی الهی به انسانی به‌عنوان خاستگاه معرفت، به عقل خودبنیاد و تجربه منهای وحی تأکید شد. (صانع‌پور، ۱۰۱ و ۱۳۰) بنیان تجربه‌گرایی هم به‌عنوان دال مرکزی گفتمان لیبرال، تکیه بر داده‌های حسی و دانش‌های مبتنی بر تجربه بود که ارزش معرفتی و واقع‌نمایی داشت. عقل در این دایره تابع حواس گشت که با حمایت پدیده‌ها و اعیان بیرونی توان مفهوم‌سازی یافت (بزرگمهر، ۲۹؛ استراتون، ۶۱). گزاره‌های دینی و اخلاقی نیز به دلیل عدم تجربه پذیری، غیرواقع‌نما و فاقد ارزش معرفتی دانسته شدند. (بزرگ‌مهر، ۴۰، اسکروتن، ۱۸۶) در نتیجه ایمان مذهبی و دینی برای ترمیم محدودیت ادراک انسانی نقشی نداشت. (ملکیان، ۷۴-۷۳) به دنبال چنین محدودیت‌هایی ذهنی شیوه زیست روادارانه راه حلی برای پذیرش روش متنوع زیستن، کثرت‌ها و تنوع فرهنگی به‌شمار آمد.

پلورالیسم یا کثرت‌گرایی از دیگر مبانی زیست روادارانه است که تلاش کرد در گستره دین، اخلاق و فرهنگ، این بصیرت را که هر یک از نظام‌های باز گفته بهره‌ای از حقیقت دارند، همه گفتمان‌ها را به رسمیت بشمارد. البته کثرت‌گرایی در ساحت دین، همه ادیان را راه‌ها و روایت‌هایی ناهمسانی از یک حقیقت دانسته که با زاویه دید خویش به حقیقت نگریسته‌اند و به گونه یکسان در پی رستگاری و نجات پیروان خود هستند. در حوزه فهم دین نیز به دلیل متن بودگی دین و قرارگرفتن فهم‌ها در معرض پیش‌فرض‌ها، انتظارات و پرسش‌های ناهمسان، همه برداشت‌ها، فهم‌ها و قرائت‌ها از دین باید به‌گونه همسان رسمیت یابند. چنین بصیرت معرفت‌شناسانه با پیشنهاد زیست روادارانه در پی تأمین صلح اجتماعی^۱ و پرهیز از خشونت ورزی شهروندان بود (ژاندرن، ۲۰۳-۲۰۴) و با هم‌پیوندی

1. social peace

مفاهیم آزادی، برابری و حقوق طبیعی به دنبال دگراندیشی، دگرزیستی و دگرپذیری بود. (مختاری، ۳۲۳)

نسبی‌گرایی از دیگر مؤلفه بنیان‌های لیبرال است که در برابر دیدگاه جهان‌شمول و مطلق‌گرای دینی قرار دارد که قیاس‌پذیری و توافق‌پذیری اصول اخلاقی و نظام ارزشی واحد را در فرهنگ‌های ناهمسان را رد کرد. در این نگره هرگونه عینیت در اخلاق و ارزش‌ها یا وجود ملاک عام برای مفاهیم و داوری ارزشی انکار شد. (فاضلی و دیگران، ۶۷) درستی یا نادرستی گزاره‌های اخلاقی همبسته به واقع شدن در فرهنگ‌ها و نظام‌های اخلاقی دانسته شد. بر این اساس ناهمگنی ارزش‌های فرد مؤمن با غیر مؤمن به دلیل واقع شدن در نظام‌های اخلاقی ناهمسان و غایات گفتمان‌ها تلقی شد. (گری، ۶۲) در پندار نسبی‌گرایی به دلیل عدم قطعیت معیاری مطلق و فراگیر زمینه برای تحمیل نظام ارزشی یک فرهنگ یا جامعه بر سایر فرهنگ‌ها وجود ندارد. چنین بینشی با اشاعه وابستگی اخلاق به انسان و تفاوت‌های فرهنگی در پی زیست‌روادارانه به دلیل تنوع فرهنگ‌ها است. البته استدلال به نسبی‌گرایی براساس رواداری، نوعی ناسازگاری وجود دارد؛ زیرا پذیرفته می‌شود ارزش‌هایی همانند احترام، آزادی و مانند آن بین‌الذنهانی و جهانی هستند و افراد فارغ از واقع شدن در فرهنگ ویژه به آن احترام می‌گذارند. (جهانبگلو، ۶۹) با فرض نسبی‌گرایی و قیاس‌ناپذیری اصول اخلاقی این تئوری تقویت می‌گردد که در نظام گفتمانی قرآن به عنوان گفتمانی مستقل نوع رواداری ویژه‌ای ایجاد شد که با رواداری لیبرال ناهمسان است. بنابراین نمی‌توان خوانش رواداری لیبرال غرب را به عنوان اصول ثابت نظام اخلاقی پذیرفت و با ترجمان آن بینش به نقد رواداری دینی پرداخت. زیرا در بصیرت روادارانه لیبرال قاعده‌ای ثابت و پیراسته برای رتبه‌بندی، ارزش‌گذاری و قیاس فرهنگ‌ها وجود ندارد. در ادامه باید افزود که سیال دانستن حقیقت در این اندیشه و باور به نسبی‌گرایی اخلاقی و فرهنگی و هم‌پیوندی ملاک باز تشخیص خوبی و بدی امور به فرهنگ‌ها، در ظاهر به نظر می‌رسد راهی برای پذیرش باورهای دینی به عنوان بینش بین‌الذنهانی و

مطلق‌گرایی نباشد؛ اما همبسته کردن حقیقت به نظام اخلاقی یا فرهنگ می‌توان این بصیرت را داشت که به لحاظ درون فرهنگی یا درون‌دینی باورهای موجه در آن گفتمان ویژه مطلق و جهان‌شمول باشند. از سوی دیگر با بینش روادارانه لیبرال، مؤلفه‌های اخلاقی دینی به‌عنوان عنصر فرهنگی قابل احترام و ارج‌گذاری است. با این نگره می‌توان گفت که پیامد اندیشه روادارانه لیبرالیسم در خشونت‌پرهیزی و عدم تحمیل باوری بر دیگری به‌دلیل امر فرهنگی، خطای بینش رواداری را فراهم می‌سازد زیرا فرهنگ‌های ناهمسان دیدگاه‌های متفاوتی درباره معیارهای اخلاقی دارند و خواهند گفت که در فرهنگ ما رواداری به این مفهوم مدرن نیست.

نتایج مقاله

- ۱- مدارا به عنوان شیوه زیست اجتماعی در گفتمان قرآن‌کریم همپوند با دال مرکزی آن در جهت تثبیت، نگهداشت و قوام دین الهی است. نوع تعریف دین، هدف و حضور حداکثری آن در جامعه تبیین‌کننده وجود مدارا می‌باشد. بر این اساس چینش گزاره‌های قرآن‌کریم در گستره توصیفی و توصیه‌ای با هدف رساندن انسان به کمال و قرب الهی تعیین بخش مقوله مدارای دینی است.
- ۲- جانشین‌ها و همنشین‌های مدارا در متن و حیانی افزون بر معناداری ویژه مبتنی بر آموزه‌های معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی قرآن‌کریم است.
- ۳- عقلانیت رواداری در قرآن‌کریم با ابتدای بر متن در پی موجه‌سازی این مؤلفه با هسته مرکزی این گفتمان و شیوه کنشگری آن در زیست اجتماعی دینی است.
- ۴- عقلانیت مدارا در گفتمان لیبرالیسم با مؤلفه‌های همسرشت با آن، انسان‌محوری، تجربه‌گرایی، تکثرگرایی و نسبی‌گرایی است. بنابراین موجه‌سازی این مفهوم در گستره باورهای دینی، اخلاقی، فرهنگی و سیاسی با معیار مبتنی بر دال مرکزی این گفتمان است.
- ۵- مدارا در هردو گفتمان قرآن‌کریم و لیبرالیسم به‌معنای بی‌تفاوتی نسبت به دیگران

نیست بلکه در عین مسئولیت نسبت به دیگران نوع روی آوری‌ها ناهمسان است. در گفتمان قرآن کریم احترام و ارج‌گذاری برای نگهداشت و قوام دین است و حال آن‌که این احترام، ارج‌گذاری و به رسمیت‌شناسی تکثر به دلیل نسبی‌گرایی فرهنگی و اخلاقی در گفتمان لیبرالیسم است. در ادامه باید افزود که با فرض نسبی‌گرایی و قیاس‌ناپذیری اصول اخلاقی این تئوری تقویت می‌گردد که در نظام گفتمانی قرآن به‌عنوان گفتمانی خود ایستا، نوع رواداری ویژه‌ای ایجاد شده که با رواداری لیبرالیسم ناهمسان است. بنابراین نمی‌توان خوانش رواداری لیبرالیسم غرب را به‌عنوان اصول ثابت نظام اخلاقی پذیرفت و با ترجمان آن بینش به نقد رواداری دینی پرداخت.

کتابشناسی

۱. القرآن الکریم.
۲. ابن‌احمد، خلیل، العین، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۴. ابن‌سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، داربیروت، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن‌فارس، ابوالحسین احمدبن‌فارس، مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر، ۱۹۷۹م.
۶. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرّم، لسان العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۷. احمدیان، عبدالله، کلام جدید، مهاباد، رهرو، ۱۳۸۴ش.
۸. ارسطو، سیاست‌نامه، ترجمه حمید عنایت، تهران، نیل، ۱۳۳۷ش.
۹. استراتون، یل، آشنایی با هیوم، ترجمه زهرا آدین، تهران، مرکز، ۱۳۸۰ش.
۱۰. اسکروتین، راجر، تاریخ مختصر فلسفه جدید، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، حکمت، ۱۳۸۲ش.
۱۱. آشوری، داریوش، «چرا رواداری؟ کندوکاوی در معنای یک ترم و برابر نهاد آن»، مجله رواداری، ۱۳۸۵ش، ش ۱.
۱۲. آقاجانی قناد، محمدرضا، تعریف اصطلاحی تساهل و تسامح از دیدگاه امام علی علیه السلام، ایلام: دانشگاه ایلام، ۱۳۸۷ش.
۱۳. بخاری، محمدبن‌اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۹۰۴م.
۱۴. بزرگمهر، منوچهر، فلاسفه تجربی انگلستان، جلد ۱، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، ۱۳۸۲ش.
۱۵. بشیریه، حسین، ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۷۴ش.
۱۶. بهشتی، علیرضا، معرفی و نقد کتاب: نامه جان لاک در باب تساهل، نامه فرهنگ، ۱۳۷۶، ش ۲۸.
۱۷. جهانیگلو، رامین، تفاوت و تساهل، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۶ش.
۱۸. همو، در جستجوی آزادی: گفتگو با آیزایا برلین، ترجمه خجسته‌کیا، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ش.
۱۹. حنایی کاشانی، محمدسعید، نامه فرهنگ، ۱۳۷۶ش، ش ۲۸.
۲۰. خسرویناه، عبدالحسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، موسسه فرهنگی طه، ۱۳۹۰ش.
۲۱. داوری، رضا، تساهل و تسامح، نامه فرهنگ، ۱۳۷۶ش، ش ۲۸.
۲۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۳. دوران، ویل، تاریخ تمدن، مترجم صفدر تقی‌زاده، تهران، بهنود، ۱۳۹۱ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا.
۲۵. رهنمائی، سیداحمد، غرب‌شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام‌خمنی، ۱۳۸۸ش.
۲۶. ژاندرون، ژولی سارا، تساهل در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸ش.
۲۷. سادا، ژولی، تساهل در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه عباس باقری، تهران، نی، ۱۳۷۸ش.
۲۸. سیمونیدس، جانوس، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالشها، جلد دوم، ترجمه دکتر محمدعلی شیرخانی، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۲۹. سیدرضی، محمدبن‌حسین، نهج البلاغه (للصیحی صالح)، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳۰. صادقی، هادی، درآمدی بر کلام جدید، تهران، کتاب طه، ۱۳۸۳ش.
۳۱. صانع پور، مریم، نقدی بر معرفت‌شناسی اومانستی، تهران، مؤسسه فرهنگ و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸ش.
۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۳ش.
۳۳. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، مجمع‌البیان فی التفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۰ش.

۳۴. فرامرز قراملکی، احد، استاد مطهری و کلام جدید، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
۳۵. فولادوند، عزت‌الله، خرد در سیاست، تهران، طرح نو، ۱۳۷۶ ش.
۳۶. فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحيط، بیروت، مؤسسة الرسالة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۶ ق.
۳۷. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه (فیلسوفان انگلیسی؛ از هابز تا هیوم)، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، تهران، نشر سروش، ۱۳۶۲ ش.
۳۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸ ش.
۳۹. کوریک، جیمز، رنسانس، مترجم آریتا یاسائی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰ ش.
۴۰. گرنستن، موریس، تساهل و تسامح، نامه فرهنگ، ۱۳۷۶ ش، ش ۲۸.
۴۱. گری، جان، فلسفه سیاسی آیزایا برلین، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹ ش.
۴۲. لایروسه، الیزابت، مدارای دینی، ترجمه امیرحسین مهدی‌زاده، فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها، تهران، سعادت، ۱۳۸۵ ش.
۴۳. لاک، جان، نامه‌ای در باب تساهل، ترجمه شیرزاد گل‌شاهی کریم، تهران، نشر نی، ۱۳۹۵ ش.
۴۴. لالاند، آندره، فرهنگ علمی و انتقادی فلسفه، مترجم غلامرضا وثیق، تهران، فردوس ایران، ۱۳۷۷ ش.
۴۵. لیبی واسطی، علی‌بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (لیبی)، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۴۷. مختاری، محمد، تمرین مدارا؛ ج اول، تهران، انتشارات ویستار، ۱۳۷۷ ش.
۴۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۴۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۸۷ ش.
۵۰. ملکبان، مصطفی، تاریخ فلسفه غرب، جلد ۲، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۵۱. موحد، علی، سلوک باطنی، سیری در رمزشناسی عرفان، شیراز، نوید، ۱۳۷۸ ش.
۵۲. موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱ ش.
۵۳. نیکزاد، عباس، صراطهای مستقیم، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۵۴. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ۱۳۹۳ ش.

55. Berlin, Isaiah. Liberty, H. Hardy (ed.), Oxford university press, 2002.

56. Heyd, David. Toleration: An Elusive Virtue, Princeton, NJ, Princeton University, 1996.

57. Horton, John. "Toleration", Concise Routledge Encyclopedia of Philosophy, New York & London: Routledge, 2000.

